

## چون خدا حاکم است، انسان‌ها چگونه آزاد هستند؟

آر. سی. اسپرول

خداوند آزاد است؛ به عبارت دیگر، آزادی او نامحدود است. او حاکم است. شایع‌ترین اعتراض به حاکمیت او این می‌باشد که اگر خدا واقعاً حاکم است، آنگاه انسان نمی‌تواند آزاد باشد. کتاب مقدس برای توصیف شرایط انسان به دو شکل متمایز از آزادی استفاده می‌کند: آزادی از اجبار، که به وسیله آن، انسان بدون اجبار می‌تواند تصمیماتی بگیرد و آزادی اخلاقی، که در اثر گناه سقوط کردیم و برده‌ی خواهش‌های شریانه‌ی جسممان گشتیم. بشردوستان معتقدند که انسان می‌تواند تصمیماتی بگیرد نه تنها بدون اجبار بلکه بدون هیچ گرایش طبیعی به سوی بدی. ما مسیحیان باید در برابر این دیدگاه بشردوستانه و یا دیدگاه بت‌پرستان نسبت به آزادی، هشیار باشیم.

دیدگاه مسیحی این است که خدا ما را با اراده و قابلیت انتخاب خلق کرده است. ما موجوداتی ارادی هستیم. اما آزادی داده شده در خلقت محدود است. آنچه در نهایت آزادی ما را محدود می‌کند، آزادی خداست. اینجاست که با تعارض بین حاکمیت الهی و آزادی انسان روبرو می‌شویم. برخی می‌گویند که حاکمیت خدا توسط آزادی انسان محدود می‌شود. اگر اینطور باشد، آنگاه انسان حاکم است، نه خدا. ایمان اصلاحات، به این آموزه می‌پردازد که آزادی انسان واقعی است، اما توسط حاکمیت خدا محدود شده است. ما نمی‌توانیم با آزادی خود تصمیمات خدا در حاکمیتش را به چالش بکشیم، زیرا آزادی خدا از ما بیشتر است.

روابط خانوادگی انسانی مانند یک قیاس عمل می‌کند. والدین بر فرزندانشان اقتدار و اختیار دارند. فرزندان آزاد هستند، اما والدین بیشتر. آزادی فرزندان، به هیچ وجه آزادی والدین را به همان شکلی که آزادی والدین فرزند را محدود می‌کند، محدود نمی‌کند. هنگامی که به صفات خدا می‌رسیم، باید درک کنیم که خداوند بسیار آزاد و مختار است.

زمانی که می‌گوییم که خدا حاکم است، در واقع درباره آزادی او صحبت می‌کنیم، هرچند معمولاً فکر می‌کنیم که حاکمیت، چیز کاملاً متفاوتی از آزادی است. خداوند یک وجود ارادی است، او اراده دارد و تصمیم می‌گیرد. هنگام تصمیم‌گیری و استفاده از اراده خود، به عنوان نهایی‌ترین مقام، با حاکمیت عمل می‌کند. آزادی او بیشترین آزادی است. او به تنهایی دارای استقلال عالی است. او یک قانون برای خودش است.

انسان‌ها به دنبال استقلال و آزادی نامحدود هستند و می‌خواهند در برابر هیچ کس پاسخگو نباشند. به معنای واقعی، این همان چیزی است که در سقوط اتفاق افتاد. شیطان، آدم و حوا را با وسوسه‌ی دستیابی به استقلال و تبدیل شدن به خدا ترغیب کرد تا هر کاری که می‌خواهند، بدون هیچ پاسخگویی انجام دهند. شیطان در باغ، نهضتی رهایی‌بخش به راه انداخت تا انسان‌ها را از گناه کنار بودن و از پاسخگویی به خدا رها کند. اما تنها او (خداوند) است که استقلال را دارد.

این نوشته برگرفته شده از [حقایقی که اعتراف می‌کنیم](#) نوشته‌ی آر. سی. اسپرول می‌باشد. در کتاب حقایقی که اعتراف می‌کنیم که اکنون در یک جلد به کلی بازبینی و منتشر شده و قابل دسترس می‌باشد، دکتر اسپرول به خوانندگان این اعتقادنامه‌ی بی‌نظیر را معرفی کرده، و تفسیری از برداشت‌های آن ارائه می‌دهد و آن‌ها را برای کاربردهای جدید در زندگی مدرن تبیین می‌کند. شما می‌توانید این کتاب با جلد سخت را امروز سفارش دهید.

**دکتر آر. سی. اسپرول**، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این مقاله در وبسایت [لیگونیر](#) منتشر شده است.